

در شرایط خاص کشور و منطقه دغدغه‌های برخی اصلاح‌طلبان و اصولگرایان چه چیزهایی است؟

# رادیکال‌ها در بند نقش ایوانند



علی مژوعی  
خبرنگار گروه نقد روز

در شرایطی که منطقه درگیر یک بحران نظامی شدید است و رژیم صهیونیستی تلاش دارد تا دامنه تنش را هر روز بیشتر کند. ایران به‌عنوان یکی از ارکان اساسی جبهه مقاومت باید در همه شئون نظامی و سیاسی آمادگی تقابل حداکثری با هرگونه اقدامات رژیم صهیونیستی را داشته باشد و از ملزومات این آمادگی این است که گروه‌های مختلف سیاسی توجه خود را معطوف به حوادث منطقه کرده و ارکان مختلف حاکمیت را یاری کنند. برخی گعده‌های سیاسی اما از چنین درکی محروم بوده و به جای کمک به تشکیل یک جبهه واحد و همه‌جانبه هر روز اظهاراتی را مطرح می‌کنند که نه به این موضوع کمکی می‌کند و نه به اصلاح امور داخلی. نقد‌های رادیکال به دولت آن هم صرفاً به بهانه انتصابات در همین چهارچوب قابل بررسی است. برخی ترجیح داده‌اند در دوگانه منافع ملی و منافع حزبی دومی را برگزیده تا دولت را که در خط مقاومت تقابل سیاسی با رژیم صهیونیستی و حامیان غربی قرار دارد در داخل نیز تحت فشار قرار دهند. فضای سیاسی کشور باید از این روند سهم‌خواهی‌های جناحی فراتر رفته و به سمت وحدت و همگرایی پیش برود. در غیر این صورت، استمرار این کشمکش‌ها می‌تواند باعث تعمیق بحران‌های سیاسی و اجتماعی در کشور شود.

## برخی هنور در دعوی انتخابات مانده‌اند

چهره‌های سیاسی همچون رسایی و غضنفری که در ایام انتخابات خود وارد کمپین رقیب پزشکیان می‌دیدند پس از پیروزی پزشکیان به نحوی علیه طرف به‌عنوان عضو ستاد تبلیغاتی پزشکیان رفتار می‌کنند که این تصور ایجاد می‌شود هنوز دعوی انتخاباتی برایشان تمام نشده. پس از اینکه ظریف از سمت معاونت راهبردی رئیس‌جمهور استعفا داد و خودش در صفحه توییترش دلیل این استعفا را عدم تحقق انتظاراتش در انتصابات دولت عنوان کرد؛ انتقادات زیادی متوجه او شد مبنی بر اینکه ظریف با رویکردی سهم‌خواهانه به ماجرای تعیین کابینه می‌نگرد درحالی‌که خود او ابتدا مدعی بود شأن شورای انتقال قدرت صرفاً مشورتی بوده و رئیس‌جمهور در انتخاب اعضای کابینه اختیار دارد. استعفا ظریف اما ادعای وزیرخارج سابق ایران را زیر سوال برد و نشان داد که او در تاسیس شورای انتقال قدرت انگیزه‌های دیگری غیر از مشورت به پزشکیان نیز داشته است. درحالی‌که ظریف به خاطر استعفاش مورد انتقاد قرار گرفته و به‌عنوان فردی که از مسئولیت شانه خالی می‌کند تحت فشار بود برخی از اعضای کمپین انتخاباتی رقیب پزشکیان ادعایی را علیه ظریف مطرح کردند که اتفاقاً به نفع او بود و نه ضررش. عزل ظریف به دلیل تابعیت خارجی فرزندانش ادعایی بود که آنها مطرح کردند. ادعایی که خیلی زود با بازگشت ظریف به مسئولیت رد شد. گروه رقیب که با هدف تحریب ظریف این مشی را در پیش گرفته بودند با این اتهام اتفاقاً یک راه فرار برای پزشکیان گذاشتند؛ چراکه ظریف که به‌خاطر شانی خالی کردن مورد نقد بود می‌توانست بدون هیچ‌گونه موضع‌گیری و واکنشی برای خروجش یک دلیل در فضای رسانه‌ای داشته باشد. دلیلی که البته با بازگشتش به قدرت دیگر قابل استناد نبود. پس از این بازگشت گروهی که ادعایشان زیر سوال رفته بود ماجرای عزل ظریف را جدی‌تر گرفتند. نمایندگانی که در اس آن‌ها رسایی قرار داشت در ادامه از تریبون مجلس خواهان پاسخگویی رئیس‌جمهور به خاطر این انتصاب شده و عزل او را خواستار شدند. رسایی به همراه برخی دیگر از نمایندگان مجلس همچنان بر این موضوع تأکید داشتند که حضور ظریف در کابینه به دلیل تابعیت خارجی فرزندانش مغایر با قانون است و باید هرچه سریع‌تر برکنار شود. او از رئیس‌جمهور خواست تا پیش از اینکه مجلس مجبور به دخالت شود خود ظریف را برکنار کند. رسایی در یکی از اظهاراتش گفت: «پزشکیان باید قبل از اینکه مجلس دست به کار شود خود اقدام و ظریف را برکنار کند. ما نمی‌خواهیم روابط بین مجلس و دولت به این نقطه برسد اما در صورت

## گوشت قربانی همچنان مورد حمله

از همان ابتدای تشکیل دولت پزشکیان اصلاح‌طلبان به دقت تحولات را رصد کرده و انتصاب‌های کلیدی در کابینه را مورد نقد قرار دادند. این انتقادات عمدتاً حول محور عدم توجه به نیروهای نزدیک به جبهه اصلاحات و استفاده از افراد وابسته به جریان اصولگرایی بود. جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات در یکی از مواضع رسمی خود آشکارا از انتصابات اخیر دولت انتقاد کرده و اعلام کرده بود که روند انتصاب‌ها بر خلاف انتظارات بوده است. او در این باره نوشت: «مقدمات انتصابات دولت چهاردهم بر مبنای کار کارشناسی و شایسته‌سالاری و با توجه به خاستگاه اکثریت رأی‌دهندگان و حامیان واقعی دولت بود. اما در چرخشی غیرقابل درک بانیان وضع موجود و مقربان جبهه پایداری در حال برکنشیده شدند.» امام در ادامه از دولت خواست که رویه فعلی خود را تغییر داده و نیروهای شایسته و همسو با شعارهای انتخاباتی را به کار گیرد. یکی از چهره‌های مطرح دیگر در این ماجرا حسام‌الدین آشنا، مشاور سابق دولت روحانی است. کسی که پیش از این به دفاع از محمد جواد ظریف پرداخته بود. آشنا در واکنش به انتقادات حمید رسایی و دیگر چهره‌های اصولگرا علیه ظریف از او حمایت کرده و تلاش داشت خود را در مقابل سهم‌خواهی‌های سیاسی قرار دهد. اما در چند روز اخیر آشنا نیز به نوعی به جمع منتقدان دولت پیوسته و در توییچی کنایه‌آمیز نوشت: «با هم توافق کردید؛ خیلی هم خوب. حالا کمی هم با مردم آشتی کنید.» این جمله به نوعی تناقض در مواضع او را نشان می‌دهد. آشنا از یک سو به دفاع از ظریف در برابر سهم‌خواهی‌های جناح مقابل پرداخته بود اما از سوی دیگر خود نیز به رویکرد سهم‌خواهانه دچار شده و به شعار وفای ملی رئیس‌جمهور حمله می‌کند. این رویکردها با واکنش شفیعیان، چهره



نزدیک به پزشکیان مواجه شد. او در تویییتی با اشاره به همه‌هایی که علیه انتصابات دولتی صورت می‌گیرد، تأکید کرد که بسیاری از این انتقادات به دلیل منافع شخصی و فامیلی است و منافع مردم در این میان در اولویت چندم قرار دارد. شفیعیان با بیان اینکه برخی از جریان‌های سیاسی با پوشش مطالبه‌گری از حقوق مردم در واقع به دنبال تأمین منافع شخصی یا جناحی خود هستند، هشدار داد که: «این نوع برخورد‌ها نه تنها به تقویت دولت و جامعه کمک نمی‌کند بلکه فضای سیاسی را بیش از پیش دچار تنش و دوگانگی خواهد کرد.» رویکرد سهم‌خواهانه درحالی‌که همچنان درمورد جزئی‌ترین مسئولیت‌های دولت توسط برخی گروه‌های اصلاح‌طلب پیگیری می‌شود که در همان ایام نزدیک به تشکیل دولت صدای اعتراض به‌زاد نبوی از چهره‌های باسابقه این جناح نیز بلند شده و او از هم جناحی‌هایش به کنایه خواسته بود که دست از سهم‌خواهی‌های دولت به‌عنوان گوشت قربانی بردارند.

## زمان‌شناسی سیاسی

اولین نتیجه‌ای که از این رویکردهای جناحی و نقد‌های تند به دولت می‌توان گرفت عدم شناخت صحیح از زمان و اولویت‌های کنونی کشور است. در شرایطی که ایران در صحنه بین‌المللی با تهدیدات جدی مواجه است و هر روز اخبار جدیدی از تجاوزها و حمله‌های رژیم صهیونیستی به مواضع نیروهای مقاومت منتشر می‌شود، این انتظار وجود دارد که گروه‌های سیاسی داخلی توجه خود را به این تهدیدات معطوف و از تشدید تنش‌های داخلی خودداری کنند اما برخی جریان‌ها به جای این رویکرد همچنان بر انتقادات خود از دولت متمرکز هستند و با طرح مسائل جزئی مانند انتصابات، فضای سیاسی کشور را از مسائل حیاتی منحرف می‌کنند. این نوع رفتار حاکی است که برخی از گروه‌های سیاسی زمان‌سنجی دقیقی از شرایط حساس منطقه‌ای و بین‌المللی ندارند و بیشتر بر منافع حزبی و جناحی خود متمرکز شده‌اند تا منافع ملی. این زمان‌شناسی سیاسی به‌ویژه در شرایطی که رژیم صهیونیستی به دنبال ایجاد آشوب و تضعیف جبهه مقاومت است، می‌تواند کشور را در مقابل دشمنان خارجی آسیب‌پذیر کند. این نوع رفتار نه تنها به تقویت جبهه داخلی کمکی نمی‌کند بلکه به نوعی به تضعیف اقتدار دولت در مقابله با تهدیدات خارجی منجر می‌شود. درحالی‌که دولت در خط مقدم مقابله

با رژیم صهیونیستی و حفظ امنیت ملی قرار دارد. فشارهای داخلی به بهانه‌های جناحی می‌تواند باعث تضعیف قدرت اجرایی آن شده و دشمنان خارجی را در پیگیری اهداف خود جسورتر کند.

## شائبه سهم‌خواهی پررنگ می‌شود

دومین نتیجه‌ای که از این رفتارهای جناحی و انتقادات رادیکال به دولت می‌توان گرفت، شائبه سهم‌خواهی سیاسی است. درحالی‌که کشور نیازمند اتحاد و همبستگی در برابر دشمنان خارجی است برخی جناح‌های سیاسی به جای تمرکز بر مسائل ملی به نظر می‌رسد که به دنبال تأمین منافع جناحی و سهم‌خواهی از قدرتشند. این شائبه زمانی قوت می‌گیرد که انتقادات به دولت عمدتاً حول محور انتصابات و تغییرات مدیریتی متمرکز است. این رویکرد سهم‌خواهانه در شرایطی در پیش گرفته شده است که انتظار می‌رود جناح‌های سیاسی مختلف با درک شرایط حساس منطقه از منافع حزبی خود گذر کرده و از دولت حمایت کنند. اما برخی از جناح‌ها به جای این رویکرد همچنان به دنبال سهم‌خواهی از قدرت و نقد‌های رادیکال به دولتند که این امر می‌تواند به تضعیف انسجام داخلی منجر شود.

## نگاه سطحی‌گرایانه به چالش‌های کشور

سومین نتیجه‌ای که از رفتارهای جناحی و نقد‌های تند به دولت می‌توان گرفت تقلیل مسائل کلان و حیاتی کشور به موضوعات جزئی مانند عزل و نصب‌های مدیریتی است. درحالی‌که ایران با چالش‌های بزرگ و چندلایه‌ای در سطح منطقه و بین‌المللی مواجه است برخی جناح‌های سیاسی به جای تمرکز بر این چالش‌ها تمامی توجه خود را به انتصابات داخلی و تغییرات مدیریتی معطوف کرده‌اند. این نوع رویکرد نه تنها سطحی و غیرمنطقی به نظر می‌رسد بلکه می‌تواند به انحراف توجه از مسائل کلان و حیاتی کشور منجر شود. تمرکز بر مسائل جزئی باعث تضعیف قدرت تصمیم‌گیری دولت در مواجهه با بحران‌ها می‌شود. تقلیل موضوعات کلان کشور به چند تغییر مدیریتی و انتصاب افراد خاص نشان‌دهنده عدم درک صحیح از شرایط پیچیده داخلی و بین‌المللی است. کشور در این مقطع زمانی نیازمند نگاه عمیق و کلان به مسائل و چالش‌های پیش‌روست و تمرکز بر جزئیات فرعی و انتقادات جناحی تنها باعث تعمیق بحران‌ها و تضعیف قدرت ملی خواهد شد.

## موش‌ها همه جای شهرها دیده می‌شوند؛ آیا راهی برای خلاصی از شر این حیوانات موذی وجود دارد؟

# موش‌ها علیه آدم‌ها

هانیه درویش  
خبرنگار

سال‌هاست که اخبار مرتبط با موش‌های تهران بازتاب گسترده‌ای در اخبار داخلی و حتی خارجی داشته است. اخباری که گاهی خیلی ترسناک است. مثل اخباری که می‌گوید در تهران به‌ازای هر یک نفر بیش از سه موش وجود دارد و روایاتی‌هایی از موش‌های نژادی آدم‌خوار که منتظر زلزله تهران‌اند تا یک جشن اساسی برپا کنند؛ اما تمامی این اخبار ضدواقعیت‌ها و اصل موضوع از زیر سؤال نمی‌برد و دیگر همه می‌دانیم که تهران با معضل افزایش موش‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند. بااین‌وجود شاید فکرش را هم نکنید که در جدول آمار جهانی آلوده‌ترین شهرهای جهان به موش‌ها، هفت شهر اول متعلق به آمریکا باشد و این حیوان جونده مدیران همه شهرها را عاصی کرده و هیچ راه‌حلی برای محدودکردن زادوولد موش‌ها تاکنون جواب نداده است.

به نظر می‌رسد تصور عامه مردم از شهر موش‌ها، هند باشد. جایی که برخی از مردمش حتی موش‌ها را می‌پرستند و در معبدی به نام کارنی ماتا حدافل ۲۰ هزار موش زندگی می‌کنند و این مردمند که غذای آنها را اعم از شیر و پنیر و انواع غذاها و شیرینی‌ها تأمین می‌کنند. اما دشتوک هند که این معبد را در خود جای داده در جدول جهانی آلوده‌ترین شهرهای جهان به موش، در رده بیست و پنجم قرار دارد و شهرهای شیکاگو، نیویورک، واشنگتن، بوستون، مینیاپولیس، دیترویت و کیلوند که از ایالت‌های مختلف آمریکا‌اند جزء ۷ شهر اول این جدول‌اند. همچنین در این رده‌بندی به جز این هفت شهر، ۹ شهر دیگر از ۲۵ شهر پر موش دنیا متعلق به آمریکا‌است. لندن در این جدول در رتبه دهم، پاریس در رتبه ۱۲م و تورونتو در رتبه ۲۴م قرار دارد. در این میان شیکاگو با آمار ۶۲۷ موش به‌ازای هر ۱۰۰ نفر در صدر جدول، لقب پایتخت موش‌ها را به خود اختصاص داده است. به‌طورکلی حضور موش‌ها در شهرهای سرد مشهودتر است؛ چراکه سرمای زمستان موش‌ها را مجبور می‌کند به خانه‌ها و اداراتی که آب و غذا در آنها وجود دارد، پناه ببرند. مثلاً در لندن به‌طور میانگین، ۲۰ میلیون موش در اطراف دفاتر و خانه‌های خالی پرسمه می‌زند و به دنبال غذا و سرپناه می‌گردند یا در پاریس، شهر عشق با

همه زیبایی و رمانتیک بودنش به‌ازای هر نفر حداقل دو موش وجود دارد که در سطح شهر به‌وفور دیده می‌شوند.

## دنیا برای کنترل نابودگرهای کوچک چه می‌کند؟

طی دهه‌های اخیر شهرهای بزرگ فن‌های مختلفی را برای مبارزه با موش‌ها امتحان کرده‌اند. مثلاً شیکاگو برای کاهش جمعیت موش‌های شهر، چندین روش مختلف را در طول این سال‌ها امتحان کرده است، از جمله تله‌های مختلف، پیشگیری از بارذاری، سم، یخ خشک، مدیریت زباله و حتی گرپه‌های وحشی. در همین حال تعداد زیادی از شهرهای شمال شرقی آمریکا رویکرد متفاوت و پیشرفته‌تری را برای کاهش موش انجام می‌دهند. روش جعبه‌های هوشمند برقی یا Smart Box. این جعبه‌ها یا همان تله‌موش‌ها مجهز به حسگرهایی‌اند که حرکت جوندگان و گرمای بدن را تشخیص می‌دهند. بدین ترتیب هنگامی که یک موش وارد جعبه می‌شود فوراً توسط جریان الکتریکی کشته می‌شود. موش‌مرده روی یک آسان‌پر کوچک بلند می‌شود و در یک ظرف تخلیه می‌شود. سپس تله، دوباره در جای خودتنظیم و آماده به‌دام انداختن موش بعدی می‌شود. این فناوری متعلق به یک شرکت سوئدی است که قبل از اینکه چند سال پیش این جعبه‌ها را به ایالات متحده بیاورد، این فناوری را در اروپا عرضه کرد. پورتلند با جمعیت ۶۸۰۰۰ نفر، اولین شهر آمریکا بود که از این وسیله غیرسمی استفاده کرد. شهرداری، ۴۰ جعبه را در نقاط مختلف نصب کرد که در کمتر از یک سال نزدیک به ۱۰۰۰ موش مرقه را به ثبت رساند. ساموئیل هم با وسعت مشابه، همین کار را دنبال کرد و ۵۰ جعبه نصب کرد و به این ترتیب توانست در طول پنج ماه بیش از ۱۰۰۰ موش را از بین ببرد. هرچند که بهره‌گیری از این فناوری موفقیت‌آمیز بوده است؛ اما همچنان راه ادامه دارد و موش‌ها در زیر زمین به زیست خود ادامه می‌دهند؛ چراکه جمعیت موش نسبت به تلفاتی که می‌دهند بسیار بیشتر است.

## راه‌گزینی نیست!

طبق آمار جهانی برآورد می‌شود که جمعیت موش‌ها در سال ۲۰۲۱ بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته است. واقعیت این است که جمعیت موش‌ها در جهان

همیشه بالا‌برده و اکنون بیش از هر زمانی، رشد جمعیت این موجودات شدت گرفته است. خیلی‌کوشورها همواره از روش‌های سنتی برای کاهش تعداد این جانوران موذی استفاده کرده‌اند و همین‌طور که گذتیم برخی از شهرها در تلاشند با روش هوشمند جلوی موش‌ها بایستند. البته پیشرفته‌ترین شهرها هم راهکار مشخصی برای نابودی موش‌ها ندارند و صرفاً تلاش می‌کنند از طریق اقدامات پیشگیرانه جلوی گسترش موش‌ها را بگیرند که این کار، هزینه‌های زیادی به دولت‌ها تحمیل کرده است. به‌عنوان مثال همه‌گیری عظیم موش‌ها در پاریس باعث ناراحتی بسیاری در میان شهروندان شده است و دولت را مجبور کرده که هر سال نزدیک به ۱٫۵ میلیون دلار برای جنگ علیه موش‌ها هزینه کند یا شیکاگو با بهره‌برداری از جدیدترین روش کنترل جمعیت موش‌ها که همان SMART Boxes است، خیلی زود با کمبود بودجه مواجه شد؛ چراکه تأمین تنها ۵۰ جعبه که فقط بخش کوچکی از شهر را پوشش می‌دهد، ۴۰ هزار دلار هزینه دارد.

## چرا موش‌ها زیاد و زیادتر می‌شوند؟

با بررسی کالبد‌شناسی بدن و نحوه زیست موش‌ها به راحتی می‌توان جواب این سؤال را داد. موش‌ها جانوران موذی و سخت‌جانی‌اند که بدن بسیار مقاومی در برابر گرما و سرما و همین‌طور سقوط از ارتفاع دارند. همچنین می‌توانند در برابر اشعه‌های مختلف دوام بیاورند. سختی دندان موش، سخت‌تر از آهن یا فولاد است و از این طریق به هر مکانی دسترسی پیدا می‌کند و به زیرساخت‌های شهری آسیب و خسارت وارد می‌کند. موش‌ها می‌توانند در پنج زایمان، هفت تا ۱۵ نوزاد را در یک سال به دنیا بیاورند که از هفته پنجم عمرشان قابلیت زادوولد دارند. این جانوران همه چیزخوارند و با تغذیه از سبزی‌های موجود در زباله‌ها و پسماندهای موزنی‌ها بقا و زادوولد را به دست می‌آورند. به‌این‌ترتیب دفع نامناسب زباله‌ها یکی از دلایل مهم افزایش جمعیت موش‌ها در کلان‌شهرها می‌تواند باشد و به نظر می‌رسد تفکیک زباله از مبدأ کمک زیادی به کاهش جمعیت موش‌ها می‌کند.

## موش‌ها و تهران

در رابطه با جمعیت موش‌ها در تهران اخبار متفاوت با منابع متفاوت وجود

دارد. حدود ۱۰ سال پیش یکی از رسانه‌ها گزارشی را منتشر کرد که در آن ادعا کرده بود تهران بیش از ۵۰ میلیون موش دارد. بعد از آن مدیران شهری طی پژوهش‌هایی اعلام کردند که آمار موش‌ها در تهران فقط ۱٫۸ میلیون یا حداکثر دو میلیون است و برخی دیگر، آمار ۲۰ میلیون برای موش‌های تهران قائلند. فارغ از صحت‌وسقم این اعداد و ارقام صرفاً مشاهدات میدانی آمار بالای حضور موش‌ها در تهران را تأیید می‌کند. شهرداری تهران برای مقابله با این معضل در این سال‌ها متوسل به راه‌های زیادی شده است. سم‌پاشی یکی از این روش‌ها بوده که به نظر می‌رسد راه‌حل درست و قابل‌قبولی هم نیست؛ چراکه موش‌ها ساکنان زیر زمین هستند و سم‌پاشی زیرزمین هم برابر است با مسوم کردن آب‌های زیرزمینی و بسیاری مشکلات دیگر. بعد از پروژه سم‌پاشی و عدم موفقیت آن مقامات شهری اقدام به راه‌اندازی تیم‌های تک‌تیرانداز کردند. هرچند تعداد جوخه‌های تک‌تیرانداز یک جنگ تمام‌عیار را به بار آورد و تعداد زیادی موش از بین رفت؛ اما این پروژه هم قطره‌ای در اقیانوسی بیکران بود. از ابتدای اسفند ۱۴۰۰ مسئولیت جانوران موذی به سازمان مدیریت پسماند شهر تهران واگذار شد. کمیته فنی مبارزه با جانوران موذی در نواحی شهرداری مناطق تشکیل شد تا با کارشناسی و به‌کارگیری روش‌های نو و علمی، از جمله شناسایی کلونی‌های موش و طعمه‌گذاری در محله‌ها، جمعیت موش‌ها کاهش یابد. هرچند که در حال حاضر اطلاعات چندانی از چگونگی اجرا شدن این پروژه و تأثیرات آن در دست نیست؛ اما در نهایت چیزی که مشخص است اینکه استفاده از راهکارهای مختلف می‌تواند تأثیراتی اندک و موقت در جمعیت موش‌ها بگذارد. تولیدکنندگان جدیدترین فناوری یعنی جعبه‌های هوشمند هم اعلام کرده‌اند که این جعبه‌های هوشمند را تنها یک ابزار می‌بینند نه لزوماً راه‌حلی کامل. همگام شدن با میزان تولیدمثل این جوندگان موذی بسیار سخت است و دولت‌ها و شهرداری‌ها در تمام دنیا، تمام تلاش‌شان را صرفاً برای کاهش جمعیت موش‌ها انجام می‌دهند نه از بین بردن کامل‌شان؛ از این رو باید پذیرفت که جمعیت موش‌ها هیچ وقت به صفر نمی‌رسد و انگار باید به زندگی با این جوندگان رضایت بدهیم. جوندگانی که از گربه‌ها نمی‌ترسند، سم‌ها تأثیری رویشان ندارند و حتی از دیوار بتنی هم رد می‌شوند!